



نوروزتان پیروز

سال ۱۴۰۳ به لحاظ معیشتی سالی سخت و دشوار برای کارگران و همه شما مردم در ایران بود.

سال ۱۴۰۳ با آمار تقریبی بیش از سه هزار اعتراض یکی از پر تحرک ترین سالهای اعتراضی کارگری در متن فضای انقلابی جامعه بود.

سال ۱۴۰۳ سال اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف مردم زنان، کارگران، بازنشستگان، پرستاران و همه مردم علیه فقر و گرانی، علیه کل بساط آپارتای جنسی و علیه زندان و سرکوب بود.

سال ۱۴۰۳ سال سربلند کردن جنبشی قدرتمند و اجتماعی بر سر معیشت و رفاه بود که جنبش کارگری یک ستون مهمش است.

سال ۱۴۰۳ سال جشن پیروزی فتح خاکریز حجاب بود. سال زیر پا له کردن بساط آپارتاید جنسی حاکم با تکثیر اعتراض عریان و آواز خوانی بیحجاب زنان و رقص های مختلط زن و مرد بود که نماد بارزش را در مراسم های روز جهانی زن و در مناسبت هایی چون چهارشنبه سوری و نوروز شاهد بودیم.

سال نو را با درود به همه شما نقش آفرینان انقلاب شکوهمند زن زندگی آزادی که شهره اش جهانی شد و گرامیداشت یاد همه عزیزانی که توسط حکومت جنایتکار جمهوری اسلام به قتل رسیدند و همه جانبختگان انقلاب شادباش میگویم. به امید بهار آزادی

۱۴۰۳: سال جنبشهای اجتماعی - کاظم نیکخواه صفحه ۳

نگاهی به اعتراضات کارگری در ۱۴۰۳

گفت و گو با شهلا دانشفر

صفحه ۲

پیام نوروزی حمید نقوایی

اعتراضات متحد و یکپارچه به پیشواز سال نو برویم!

صفحه ۵

وضوح وحشت از خیزش بر سر معیشت در پیام نوروزی خامنه ای

مهران محبی، صفحه ۷

لیست شماره ۵ کمپین مالی حزب کمونیست کارگری صفحه ۴

تجمعات پرستاران، کارگران رسمی نفت در لاوان، متقاضیان مسکن ملی قزوین، و کارزار سه شنبه

های نه به اعدام صفحه ۵

علیه تحرک پان ترکیست ها و تفرقه اندازی جمهوری اسلامی در ارومیه صفحه ۸

در حاشیه نظاهرات دوم فروردین ۱۴۰۴ در ارومیه - محمد شکوهی صفحه ۱۱

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۷۶

۴ فروردین ۱۴۰۴

۲۴ مارس ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

جنگ یا مذاکره؟

دوراهی یا بن بست؟

حمید نقوایی، صفحه ۶

کارگران در هفته ای که

گذشت صفحه ۹

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۰

جشن و شادی مردم علیه

بساط آپارتاید جنسیتی

حاکم

صفحه ۸

اعتراضات پرستاران

ادامه دارد صفحه ۱۲

بیانیه های نوروزی

برگرفته از مدیای اجتماعی

صفحات ۱۴-۱۶



نگاهی به اعتراضات کارگری در ۱۴۰۳

گفت‌وگو با شهلا دانشفر

سوسن صابری: در سال ۱۴۰۳ هر روز شاهد اعتصاب و تجمع و راهپیمایی کارگران معترض در نقاط مختلف ایران بوده‌ایم. در یک نگاه کوتاه نقاط مثبت و پیشروی‌ها و همچنین ضعف‌های این اعتراضات و کلاً جنبش کارگری در این سال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شهلا دانشفر: سال ۱۴۰۳ به لحاظ معیشتی سالی سخت و دشوار برای کارگران و مردم در ایران بود. سال تشدید سرکوبگری‌های حکومت و اعدام‌های گسترده در هراس از سر بلند کردن قدرتمندتر انقلاب زن زندگی آزادی بود. و در مقابل سال ۱۴۰۳ یکی از پرتحرک‌ترین اعتراضات کارگری در متن فضای انقلابی جامعه بود. حکومت بدنبال شکستهای سخت در منطقه و فلج شدن اقتصادی اش بشدت در هم ریخته است. در نزاع‌هایشان از شکست‌هایشان در منطقه و در مقابل مردم سخن می‌گویند. در مقابل، مردم خود را در موقعیت قوی‌تری می‌بینند و اعتراضات کارگری و مردمی ابعادی گسترده‌تر، عمیق‌تر و رادیکال‌تر بخود می‌گیرد.

سال ۱۴۰۳ سال سر بلند کردن جنبشی قدرتمند و اجتماعی بر سر معیشت و رفاه بود که جنبش کارگری یک ستون مهمش است. با آماری تقریبی سال گذشته شاهد بیش از سه هزار حرکت اعتراضی کارگری علیه فقر، بی‌تامینی، اختلاس‌ها و سرکوبگری‌های حاکم بودیم. کانون‌های داغ آن کارگران نفت، بازنشستگان، پرستاران، معلمان، کارگران معادن و بسیاری از مراکز دیگر کارگری بود. اعتراضات در نفت بخش‌های مختلف آن و بازنشستگان نفتی را فرا گرفته و بسوی سراسری شدن می‌رود. نقش هزاران کارگر ارکان ثالث برجسته است و تجمعات بزرگ آنان همراه با راهپیمایی و حضور خانواده‌ها فضای اعتراض در نفت را به لحاظ کیفی متحول کرده و بر جنبش کارگری تاثیر گذاشته است.

کارگران نفت و نیز پرستاران در اعتراض به مصوبه مزدی حقارت بار شورای عالی کار مبنی بر تعیین حداقل مزد ده میلیونی اولتیماتوم به اعتراضات گسترده‌تر داده‌اند. بازنشستگان با تجمعات پرشور هفتگی و سراسری بر فضای اعتراضی در بسیاری از شهرها تاثیر گذاشته، در دفاع از دستاوردهای انقلاب نقش آفرین بوده و با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" پرچم اتحاد مبارزاتی را برافراشته‌اند و خود با تجمعات مشترک و بزرگ الگو بوده‌اند.

گسترش اتحاد اکتیویستهای بخش‌های مختلف کارگری و اجتماعی بر سر معیشت و علیه سرکوبگری‌های حکومت نقطه امید خوبی برای گسترش اعتراضات

کارگری و کل جامعه است. بیانیه‌های مشترک کارگری و اجتماعی و گردهمایی بخش‌های مختلف آنها در روز جهانی زن نمادهای بارز آنست. اما کافی نیست و سراسری نبودن این اتحاد، یک کمبود در قدرتمندتر شدن جنبش کارگری و حرکت سریع‌تر آن به سوی اعتصابات سراسری و تأثیرگذاری کیفی بر فضای جامعه است.

سوسن صابری: باتوجه به ارزیابی‌تان از جنبش کارگری در اوضاع سیاسی کنونی، فعالین و رهبران مبارزات کارگری چه اقداماتی را باید برای تقویت نقاط مثبت و برطرف کردن نقاط ضعف جنبش در دستور خود بگذارند؟

شهلا دانشفر: ما همواره بر اتحاد فعالین و اکتیویستهای کارگری و اجتماعی برای پیشروی بیشتر انقلاب و شکل‌دهی شبکه‌های سراسری مبارزاتی آنها در عرصه‌های مختلف تأکید کرده‌ایم. امروز هم زمینه‌های اجتماعی و توازن قوا برای آن فراهم است و هم ضروری و حیاتی است. در سطح بیانیه‌ها و بعضاً فراخوان‌های اعتراض مشترک در سطح محلی شاهد شکل‌گیری چنین اتحادی هستیم. می‌شود و باید این را گسترش داد و در این رابطه فعالین و رهبران کارگری نقش مهمی دارند. بیانیه‌های مشترک، منشوری چون خواست‌های حداقلی بیست تشکل مضمون چنین اتحاد و اجماع نظری را فراهم کرده و همین توافقات می‌تواند محورهای شکل‌گیری اتحادی گسترده‌تر باشد. می‌شود الگوی تجمعات مشترک بازنشستگان در کرمانشاه را در همه شهرها تکثیر کرد. می‌شود الگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان را در تمام بخش‌های مبارزتی بکار گرفت و شبکه‌های سراسری اعتراضی را شکل داد. می‌شود شوراهای اعتراضی ای که هم اکنون در نفت شکل گرفته‌اند را در همه بخش‌های دیگرش تکثیر کرد و شورای هماهنگی سراسری مبارزاتی را به‌عنوان چتری برای متحد کردن همه این تشکل‌ها شکل داد. انجام هرکدام از آنها گامی در جهت تقویت و گسترش اعتراضات کارگری و جنبش بر سر معیشت و فراهم شدن بستر برای اعتصابات سراسری خواهد بود و بدون شک بر اعتراضات مردمی در کف خیابان قدرت می‌بخشد. (مندرج در ژورنال شماره ۹۹۰)

برگرفته از میای اجتماعی

تجمع مقابل لاکان رشت در حمایت از شریفه محمدی و منوچهر فلاح دو زندانی محکوم به اعدام و علیه اعدامها، صفحه ۴

شورای بازنشستگان ایران: تداوم اعتراضات معیشتی و سیاست شلاق و گرسنگی، صفحه ۱۳

گزارشی از دیدار با اعضای هیات مدیره اتحادیه کارکنان دولتی بریتیش کلمبیا در کانادا، صفحه ۱۳

درخواست ۳۴ نهاد و شبکه مخالفین جمهوری اسلامی در خارج کشور برای اقدام جهانی علیه تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در

واکنش به اعترافات اخیر محسن رفیق دوست، صفحه ۱۳

بیانیه جمعی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه پیرامون تصویب حداقل مزد، صفحه ۱۱



۱۴۰۳: سال جنبشهای اجتماعی - کاظم نیکخواه

سال ۱۴۰۳ به پایان رسید و سال تازه ای را آغاز کردیم. سوال اینست که سالی که پشت سر گذاشتیم بارزترین خصوصیت آن برای ما کارگران و مردم چه بود؟ آیا دستاورد و پیشروی ای داشتیم و اگر آری این پیشروی ها چه بودند؟ آیا میتوانیم بر اساس آنچه در سال قبل بدست آوردیم، در سال جدید پیشروی های تازه ای را رقم بزنیم؟

من در جای دیگری به این سوال مختصراً جواب دادم که آری ما در سال گذشته دستاوردهای حیاتی و مهمی داشتیم و بهترین و شاخص ترین آن، گر گرفتن و فوران جنبش های اجتماعی بود که با انقلاب زن زندگی آزادی شروع شد و در سال گذشته عرصه های بسیار وسیعی را در برگرفت. اینجا کمی مشروحتر این مساله را توضیح میدهم.

یک نگاه به جنب و جوشهای اعتراضی در جامعه نشان میدهد که این جنب و جوش بسیار وسیع است و در عین حال خصوصیت بارز این اعتراضات، تداوم، سازمان یافتگی، تمرکز و پیگیر بودن آنهاست. به این دلیل اعتراضات کاملاً خصوصیت "جنبشهای اجتماعی" را به خود گرفته اند که این بسیار مهم است و به پیشروی و پیروزی آنها بسیار کمک کرده و می کند. وقتی از جنبشهای اجتماعی سخن میگویم منظور اعتراضاتی است که اولاً گسترده و وسیع است و بخشهای وسیعی از مردم در هر کدام از آنها دخیل و متشکل هستند. ثانیاً این اعتراضات از نظر موضوع، متمرکز و فوکوس هستند. یعنی هدف مشخص و معینی را دنبال میکنند. و ثالثاً این اعتراضات از حالت تک اعتراض و یا شورش و جوش مقطعی خارج شده و ادامه کار و سنت دار و سروته دار هستند. چند نمونه را اینجا برای روشن تر شدن بحث اسم می برم: جنبش علیه اعدام، جنبش دادخواهی، جنبش معیشت و رفاه، جنبش ضد حجاب اسلامی، جنبش ضد آپارتاید جنسیتی و جنبش آزادی زندانیان سیاسی. البته به جنبشهای دیگری هم می توان اشاره کرد که در حال شکل گیری یا گسترش هستند. بهر حال این جنبشها که اسم بردم در سال گذشته بسیار جلو آمدند و می توان مشاهده کرد که از حالت اعتراضات گسترده جلوتر رفته و به صورت جنبشهای سروته دار و سنت دار و ادامه دار و ریشه دار درآمدند. برای نمونه جنبش علیه اعدام یک جنبش بسیار وسیع و گسترده است که یک سر آن در خارج کشور است و ابعاد بسیار وسیعی دارد که باعث شده است حتی دولتها و سازمان ملل و شورای حقوق بشر سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری و سازمانهای سیاسی ناچار به عکس العمل علیه جمهوری اسلامی شوند و اعدامها و جنایات جمهوری اسلامی را محکوم کنند. صدای این جنبش در سطح دنیا پیچیده است و مدام جمهوری اسلامی ناچار است از خود در برابر آن اعلام برائت کند. در داخل کشور هم جنبش علیه اعدام بسیار گسترده و دامنه دار است. صدای این جنبش از همه جا حتی از داخل زندانها و "سه شنبه های علیه اعدام" شنیده می شود. یک دستاورد فراموش نشدنی و شورانگیز این جنبش در سال گذشته آزادی توماج صالحی بود که موجی از شادی را در سراسر کشور و در دنیا برانگیخت. در دفاع از پخشان عزیزی و وریشه مرادی و عباس دریس و شریفه محمدی نیز طومارها و بیانه ها و اکسیونها و اعتراضات سیاسی شکل گرفت و منتشر شده که همچنان ادامه دارد و فشار سنگینی را روی جمهوری اسلامی گذاشته است و امیدوارم بتوانیم آزادی این عزیزان را نیز جشن بگیریم.

یک نتیجه جنبش علیه اعدام به جریان انداختن گفتمان پیشرو ضد مجازات اعدام با هر جرمی است که همه جریانات را به موضعگیری علیه اعدام کشانده و جامعه را علیه اعدام به عنوان قتل عمد دولتی بسیج کرده است. این به خودی خود یک

پیشروی مهم برای آینده جامعه است. اما میتوان امیدوار بود که بتوانیم با گسترش این جنبش زندانیان بیشتری را از اعدام نجات دهیم و هزینه جنایات جمهوری اسلامی را برایش بسیار بیشتر کنیم.

جنبش ضد حجاب نیز طبعاً یک جنبش بسیار شاخص و شورانگیز و شناخته شده است و توانسته است حجاب که یک ستون و خاکیز مهم و حیاتی جمهوری اسلامی بود را فتح کند و کاری کند که این حکومت به شکست خود به انحاء مختلف اعتراف کند و پی در پی لوایح و قوانین حجابش را بایگانی کند و عقب بنشیند. فتح سنگر حجاب که بدنبال انقلاب زن زندگی آزادی صورت گرفت یک پیشروی تاریخی برای همه ما مردم است و هیچ کس نمیتواند اهمیت آنرا انکار کند.

یک جنبش بسیار مهم در جامعه جنبش بر سر معیشت است. بازنشستگان میتوان گفت سکان این جنبش را با اعتراضات هر روزه خود در سراسر کشور، در دست داشته اند و با شعارها و سخنرانی ها و راهپیمایی های گسترده و خستگی ناپذیر خود، گلوی جمهوری اسلامی را گرفته اند و حقوق خود را طلب می کنند. بخشهای مختلف کارگران نفت یعنی کارگران ارکان ثالث، کارگران رسمی، کارگران پیمانی و کارگران پروژه ای نیز یک پای مهم این جنبش هستند. پرستاران و معلمان و معلولین نیز نیروهای پیگیر جنبش معیشت هستند. این جنبشی است علیه حقوقهای زیر خط فقر، علیه نپرداختن حقوقها، علیه فقر، علیه اختلاسها و دزدیها، و برای درمان رایگان، آموزش رایگان، افزایش چندین برابری دستمزدها و حقوقها و کلاً برای دست یابی به رفاه و زندگی انسانی. جنبش معیشت و رفاه، صدای اعتراض کل جامعه علیه گرانی، فقر، تورم افسارگسیخته، دزدیها و اختلاسها، شکاف طبقاتی بسیار گسترده و عمیق و کلاً علیه کل مافیای سرمایه داری است که فقر و محرومیت را به اکثریت مردم تحمیل کرده است.

جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی یک حکومت کاملاً ورشکسته است که حتی امکان تهیه گاز و برق و آب مردم را هم ندارد. این حکومت در عین حال در فساد و اختلاس و رانت خواری عمیقی غرق است و مدام فقر و گرانی و محرومیت بیشتری را به اکثریت مردم تحمیل می کند. جنبش معیشت و ضد فقر و گرانی، جنبشی است برای دفاع از زندگی. کارگران و بازنشستگان و معلمان و پرستاران برای دفاع از زندگی خود ناچارند بجنگند و کاملاً در جدال خود محقند و در عین حال گلوگاههای جمهوری اسلامی را در دستان خود دارند. به همین دلیل این جنبش حکومت را در محاصره کامل گرفته است که نه راه پس دارد و نه راه پیش.

جنبشهای اجتماعی و جنبش سرنگونی

وقتی به جنبشهای اجتماعی کمی با دقت نگاه کنیم یک خصوصیت مشترک و بارز در همه آنها بسیار روشن و برجسته است و آن اینست که این جنبشها شاخه ها و بخشهای جدایی ناپذیری از جنبش آزادخواهی و جنبش سرنگونی هستند. مردمی که در جنبش علیه اعدام، جنبش دادخواهی، جنبش معیشت و جنبش آزادی زندانیان سیاسی و بقیه جنبشها دخیل هستند و در آنها فعالانه شرکت می کنند، می دانند که



لیست شماره ۵ کمپین مالی حزب کمونیست کارگری

عبدالله سلیمان ۵۰ دلار کانادا
 عمر کریمی ۱۰۰ دلار کانادا
 جبار محمد ۱۰۰ یورو
 کیوان ۵۰ یورو
 کمک به مدیای اجتماعی حزب از آلمان ۹۵۰۰ یورو
 رضا اکبری ۷۰۰۰ کرون
 نیما فروزان ۵۰۰۰ کرون
 مهدی نبوی ۲۰۰ یورو
 کمیته فرانکفورت حزب ۳۰۰ یورو
 علی ترکیه ۵۰ یورو
 لیلا احسانی ۲۵ یورو
 دانیال آبادانی ۱۰۰ یورو
 دوستان کاوش ۹۲۰۰ کرون
 ۶۷ های امیدوار ۳۰۰ دلار آمریکا

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی برای تامین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) تا امروز معادل ۱۲۴۰۷۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. از تمام عزیزانی که به این کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی میکنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت می‌تپد و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی دعوت می‌کنیم به حزب کمک کنید. به ۲۵۹۳۰ دلار دیگر نیاز داریم تا به هدف اعلام شده کمپین برسیم.

کمکهای شما، به هر میزان مایه افتخار و اتکای این حزب است. حمایت مالی شما از حزب به گسترش فعالیت‌های ما علیه جمهوری اسلامی، علیه سرکوب و اعدام و زندان و فعالیت برای متحد و متشکل کردن مردم معترض و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی کمک می‌کند. این حزب همه شما مردمی است که سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه‌ای خوشبخت و آزاد و انسانی را آرزو می‌کنید و برای آن تلاش می‌کنید.

اسی هدفمند ۳۰۰ یورو
 علی ۵۰۰ دلار آمریکا

سینا پدram ۲۰ هزار پوند
 مهران ونکوور ۱۰۰ دلار کانادا
 حمید ونکوور ۱۰۰ دلار کانادا
 راییک ونکوور ۵۰ دلار کانادا
 دوستی از هملتون ۱۵۰ دلار کانادا
 Raf ۵۰ پوند
 مهرداد ویرجینیا ۵۰ دلار آمریکا
 آرمان ۲۰ دلار آمریکا
 جمع لیست پنجم ۳۸۷۹۰ دلار آمریکا

از صفحه ۳

۱۴۰۳: سال جنبشهای اجتماعی...

تجمع مقابل لاکان رشت در حمایت از شریفه محمدی و منوچهر فلاح دو زندانی محکوم به اعدام و علیه اعدامها

حضور فعالان مدنی و صنفی و کارگری و هم بندی های #منوچهر_فلاح و #شریفه_محمدی در جلوی زندان لاکان رشت و در آستانه تحویل سال نو خورشیدی

با نزدیک شدن به سال نو و با توجه به برگزاری شصتمین هفته سه شنبه های نه به اعدام در زندان لاکان و دیگر زندان های کشور، جمعی از فعالان صنفی و مدنی و کارگری و زندانیان سابق که از هم بندی های منوچهر فلاح و شریفه محمدی این دو زندانی محکوم به اعدام و محبوس در زندان لاکان هستند، با حضور در جلوی زندان لاکان رشت و برپا کردن سفره هفت سین، خواهان لغو اعدام این دو زندانی و سایر زندانیان محکوم به اعدام شدند.

منوچهر فلاح و شریفه محمدی از اعضای کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام هستند که به همراه سایر زندانیان محکوم به اعدام سیاسی و غیرسیاسی دیگر، جانشان در خطر است. (برگرفته از مدیای اجتماعی)



بدون خلاصی از جمهوری اسلامی نمی توان به اهداف اعلام شده این جنبشها دست یافت. هیچ تردیدی در این نیست. به همین دلیل جنبشهای اجتماعی جاری پایه های یک جنبش فراگیرتر به نام جنبش سرنگونی هستند که از سال ۱۴۰۱ خود را به صورت فوران انقلاب زن زندگی آزادی بروز داد و در اشکال متنوع و مختلفی همچنان ادامه دارد. انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی برای دست یابی جامعه به آزادی و رفاه و امنیت و زندگی انسانی است و نقطه اتصال و پیوند تمام جنبشهای اجتماعی است. بویژه اکتیویستها و رهبران این جنبش ها به روشنی این واقعیت را میدانند و برای اتحاد صفوف انقلاب، آگاهانه تلاش میکنند. این انقلاب به همین دلیل زیرساختها و پایه های اجتماعی محکمی دارد که با هیچ سرکوب و فشار و دستگیری و تعرض حکومت قابل عقب راندن نیست و هر روز محکمتر و با صلابت بیشتری راه خود را به سوی پیروزی می گشاید و جلو میرود.

سال گذشته برای جمهوری اسلامی سال شکستها و سرشکستگی های پی در پی بود. سال هرس شدن نیروهای تروریست و نیابتی اش بود. سال هلاکت مهره های جنایتکار شاخص آن نظیر حسن نصرالله و اسماعیل هنیه و سنوار و شمار زیادی از سرداران جنایتکارش بود. سال سرنگونی بشار اسد و از دست رفتن سنگرهای این حکومت در گوشه و کنار دنیا بود. در داخل کشور نیز همانگونه که اشاره کردم سال گذشته سال محاصره این حکومت با جنبش علیه اعدام و علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسیتی و علیه فقر و اختلاس و دهها جنبش دیگر بود.

با توجه به همه این اوضاع که اینجا در واقع مختصرا اشاره کردم، میتوان چنین نتیجه گرفت که سال ۱۴۰۳ سال فوران جنبش های اجتماعی بود و سال ۱۴۰۴ میتواند سال سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. فضای جامعه و وضعیت نزار و در هم ریخته جمهوری اسلامی گویای اینست که سال جدید سال پایان دادن به حکومت متحجر و چپاولگر سرمایه داران، و سال پایه ریزی یک جامعه انسانی، برابر و مرفه و شاد، جامعه ای بدون اعدام و زندان و تبعیض و بدون فقر و محرومیت خواهد بود. با ادامه انقلابمان می توانیم چنین تحول تاریخی ای را تضمین نماییم



رقص و پایکوبی است و ازینرو نفس نوروز و جشن نوروزی با کل موجودیت رژیم مرگ و عزای جمهوری اسلامی در تناقض است. مراسم نوروزی را، از چهارشنبه سوری تا سیزده بدر، با رقص و شادی و جشنهای خیابانی، و با اتحاد و همصدائی و همراهی در عرصه های مختلف مبارزه، برگزار میکنیم و بزرگ میداریم. در آستانه سال نو و در مراسم ها و گردهمایی های نوروزی یاد همه عزیزانی که در نبرد با دژخیمان حاکم از دست دادیم را گرامی میداریم و یکبار دیگر عهد میندیم که تا سرنگونی حکومت قاتلین آنها از پای ننشینیم. پیروزی از آن ماست! نوروزتان پیروز! حمید تقوایی- ۲۷ اسفند ۱۴۰۳، ۱۷ مارس ۲۰۲۵

پیام نوروزی

اعتراضات متحد و یکپارچه به پیشواز سال نو برویم!
فرا رسیدن نوروز و سال نو را به همه مردم آزاده ایران شادباش
میگوییم

با سالی که گذشت سال تضعیف و درماندگی بیش از پیش حکومت و تعمیق و پیشروی جنبش زن زندگی آزادی بود: سال تثبیت پیروزی جنبش بی حجابی، سال شکستن دیوارهای آپارتاید جنسیتی با اعتراض عریان و کنسرت و آواز خوانی زنان و رقص و شادمانی خیابانی؛ سال گسترش مبارزات کارگران و بازنشستگان با پرچم اتحاد علیه فقر و فساد؛ و سال هماهنگی و همراهی هر چه بیشتر فعالین جنبش های اعتراضی و انتشار بیانیه ها و قطعنامه ها و سخنرانی های رادیکال و پرشور در تجمعات و در مراسمهای علنی در عرصه های مختلف مبارزه. تحولات سال گذشته یکبار دیگر به همه جهانیان و حتی به خود حکومتی ها نشان داد که جمهوری اسلامی رفتی است. انقلابی که با قتل حکومتی مهسا ژینا امینی آغاز شد اکنون به جنبشی عظیم و فراگیر و پیگیر تبدیل شده است و حکومت را در بحرانی عمیق و همه جانبه و لاعلاج فرو برده است. برای همه روشن است که این روند تا بیزیر کشیدن جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت. اکنون با فرارسیدن نوروز فرصت دیگری برای بجالش کشیدن حکومت جانان حاکم فرامیرسد. نوروز موعود نو شدن طبیعت و زایش و بالندگی، و موسم شادی و

تجمعات پرستاران، کارگران رسمی نفت در لاوان، متقاضیان مسکن ملی قزوین، و کارزار سه شنبه های نه به اعدام

روزهای پایان سال است و مردم در تهران و شهرهای مختلف کردستان و جنوب و مناطق دیگر با رقص مختلط زن و مرد و زیر پا له کردن بساط آپارتاید جنسیتی سالی پر از اعتراض برای رهای از جهنم جمهوری اسلامی را نوید میدهند. در عین حال تا آخرین روزها اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه زندان و اعدام با گستردگی جریان دارد.

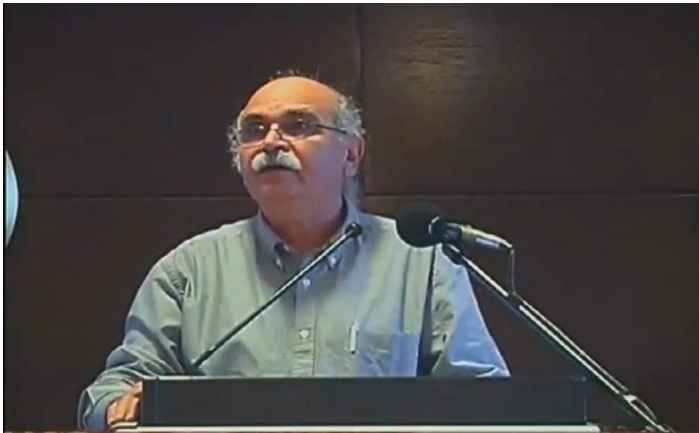
امروز بیست و هشتم اسفند ماه در چند ساعت مانده به جشن چهارشنبه سوری پرستاران در کردستان در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالبات خود در برابر استانداری کردستان تجمع کردند. در روز گذشته نیز جمعی از پرسنل فوریت های پزشکی جواهرود مقابل ساختمان شماره یک دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه تجمع و اعتراض کردند.

روز این روز پرستاران بیمارستان "امام رضا" در تبریز نیز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود، مقابل ساختمان اداری این بیمارستان تجمع کردند.



در این روز پرستاران بیمارستان "امام رضا" در تبریز نیز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود، مقابل ساختمان اداری این بیمارستان تجمع کردند. اعتراضات در میان پرستاران گسترده است و طبق گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران در اسفند ماه در سی شهر این اعتراضات جریان داشت. مطالبات اعلام شده پرستاران عبارتند از: لغو فوری اضافه کاری و شیفت های اجباری، پرداخت فوری تمام معوقات حقوقی و رفاهی، افزایش حقوقها متناسب با میزان واقعی نرخ تورم و رشد روز افزون آن با توجه به خط فقر و افزایش نرخ دلار، دریافتی هیچ پرستاری نباید از کمتر از ۶۰ میلیون تومان باشد، برگشت به کار همکاران اخراجی و لغو تمام تویخ نامه ها و اخطارهای امنیتی.

روز ۲۸ اسفند ماه جمعیت بزرگی از متقاضیان مسکن ملی در اعتراض به اختلاسها و تأخیر در اجرای پروژه های مسکن ملی مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین تجمع کردند. این معترضین با سالها تأخیر و بی پاسخ ماندن درخواست هایشان مواجه اند. بسیاری از متقاضیان مسکن ملی در قزوین از خانواده



جنگ یا مذاکره؟ دوراهی یا بن بست؟

حمید تقوائی

دوراهی جنگ یا مذاکره که این روزها به بحث داغی بدل شده تبیین دقیقی از وضعیت جمهوری اسلامی نیست. دوراهی واقعی انتخاب بین شکست نظامی حکومت در اثر حمله هوایی به تاسیسات هسته ای و زیرساختها و مراکز اقتصادی است و یا عقب نشینی و پذیرش خواستههای دولت آمریکا. همه، و خود حکومتی های بهتر از هر کس، میدانند که رژیم توان نظامی مقابله با حمله هوایی اسرائیل - آمریکا را ندارد. خامنه ای همچنان از سیلی سخت صحبت میکند اما در واقع دارد صورت خود و رژیمش را با سیلی سرخ نگاه میدارد. با کدام دست قرار است این سیلی کذائی زده شود؟ با موشکپرانی هایی که امتحان شد و بجائی نرسید؟! و یا با نیروهای نیابتی که عملاً فلج شده اند؟!

به نظر من نه دوراهی ای وجود دارد و نه بن بست. رژیم انتخابش را کرده است. مذاکره نمیکنیم و سیلی میزنیم و غیره را باید بحساب رجزخوانی های توخالی و همیشگی خامنه ای گذاشت. عراقچی که بعد از دریافت نامه ترامپ از امکان استفاده از فرصت و بلا مانع بودن مذاکره غیر مستقیم صحبت میکرد در آخرین اظهار نظرش صریحاً میگوید "مبنای ما فعلاً مذاکره غیر مستقیم با آمریکا است". یعنی فعلاً با مذاکره غیر مستقیم، و احتمالاً بعداً با مذاکره مستقیم هم، مشکلی نخواهند داشت. و چنین موضعی البته نمیتواند بدون موافقت خامنه ای اتخاذ شده باشد.

اینهم روشن است که پیشنهاد ترامپ صرفاً مذاکره نیست بلکه قبول شرایطی است که مطرح کرده است. بحث این نیست که "اگر مذاکره نکنید"، بلکه اینست که "اگر شرایط ما را قبول نکنید"، به گزینه نظامی متوسل میشویم. این شرایط که در نامه ترامپ مطرح شده و بوسیله یک مقام پیشین امارات فاش شده چنین است:

"توقف کامل برنامه هسته ای ایران، تعطیلی غنی سازی اورانیوم، قطع ارسال سلاح به حوثی های یمن، قطع حمایت مالی از حزب الله لبنان، انحلال گروه های مسلح وابسته به حشد الشعبی در عراق، مهلت دوماهه برای اجرای این شروط، در صورت پذیرش، لغو تحریم ها و پایان دادن به انزوای ایران، در غیر این صورت، اقدام نظامی گسترده علیه ایران"

بعبارت دیگر جمهوری اسلامی یا باید به این خواستهها تن بدهد و یا حمله نظامی را بجان بخرد. اما این را هم حکومتی ها میدانند. در پاسخ به چنین پیامی است که وزیر خارجه و مقامات دولتی، در کنار رجزخوانی های رهبرشان، از مذاکره غیر مستقیم صحبت میکنند. قبول حتی بخشی از این شرایط به معنی تسلیم است اما امیدوارند رجزخوانی های خامنه ای تا حدی بتواند جبران مافات کنند. مثل موارد متعددی در گذشته کوتاه بیایند و در عین حل ظاهر را هم حفظ کنند.

این کاملاً قابل فهم است که بین درهم کوبیده شدن در اثر حمله نظامی و تن دادن به مذاکره دومی را انتخاب کرده اند. گرچه تسلیم به شرایط دولت آمریکا آبرو و اعتباری برای نظامشان باقی نمیگذارد اما چاره ای ندارند. حفظ نظام بقول خودشان "اوجب واجبات" است. در عین حال تلاش میکنند شکست و بی آبرویشان را به حداقل برسانند. امیدوارند بتوانند وقت بخرند، در رابطه با پروژه هسته ای موقتاً کوتاه بیایند، کمک به نیروهای نیابتی که عملاً کارائی ای هم ندارند را متوقف کنند و در اولین فرصت، با پایان یافتن دوره ریاست جمهوری ترامپ و حتی با بالا گرفتن مخالفتها و اعتراضات به دولت ترامپ و تضعیف موقعیت داخلی و جهانی او، زیر قول و قرارهایشان بزنند. همه نشانه ها حاکی از در پیش گرفتن چنین مسیری است.

اما در پیشبینی های سیاسی هیچ چیز صد در صد نیست. احتمال حمله نظامی در هر حال وجود دارد و میتواند عواقب مخربی نه تنها برای حکومت بلکه برای مردم

در بر داشته باشد. سئوالی که در برابر نیروهای سیاسی اپوزیسیون و مردم ایران قرار دارد اینست که چه باید کرد تا مبارزات و اعتراضات جاری تحت الشعاع فضای جنگی و تنشهای بین المللی قرار نگیرد؟ چه باید کرد تا توافق و یا تهدیدات و بویژه حمله نظامی مبارزات مردم را تحت الشعاع قرار ندهد و به تقویت حکومت در جنگ با مردم منجر نشود. چه باید کرد تا از دل این تلاطم و تنش جنگی جنبش زن زندگی آزادی و مبارزه برای سرنگونی حکومت قدرتمند تر و تعرضی تر سر بلند کند؟

اولین نکته اینست که فعالین و دست اندرکاران مبارزات و جنبشهای اعتراضی جاری نباید تحت فشار فضای جنگ و حتی حمله نظامی احتمالی در معرض جامعه به جمهوری اسلامی کمترین تخفیفی بدهند. این بن بست و بحران حکومت در عرصه سیاست خارجی، عیناً نظیر بحرانهای داخلی اش، تماماً نتیجه سیاستهای خامنه ای و حکومت اوست. برای خاتمه بخشیدن به فضا و تنشهای جنگی، و علیه حمله نظامی احتمالی، باید به مبارزه علیه جمهوری اسلامی در همه عرصه ها شدت بخشید. جبهه تازه ای هم باید علیه جنگ افروزیهای حکومت گشود. فی الحال مردم در تجمعات اعتراضی شان با شعارهایی نظیر "جنگ افروزی را رها کن فکری به حال ما کن" و "جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه" علیه رجز خوانیها و ماجراجوئی های جنگی حکومت بمیدان آمده اند. این حرکت را باید تقویت کرد و گسترش داد.

بحران و بن بست واقعی حکومت در جنگش با ما مردم است. و در این جنگ داخلی است که سرنوشت حکومت رقم زده میشود. بدون اعتراضات و مبارزات ما، بدون جنبش زن زندگی آزادی، حکومت میتواند هر بحران بین المللی را از سر بگذراند. نه تهدیدات ترامپ و اسرائیل، نه حمله به تاسیسات هسته ای، نه مکانیسم ماشه و نه هیچ نوع تحریم و فشار اقتصادی قادر به سرنگون کردن جمهوری اسلامی است و نه اساساً آمریکا و اروپای واحد چنین هدفی دارند. خلاصی از شر این حکومت امر خود ما مردم است.

تا جائی که به رابطه دولتها با جمهوری اسلامی مربوط میشود خواست ما مردم نه مذاکره است و نه تحریم اقتصادی و نه حمله نظامی. ما خواهان بایکوت سیاسی و فرهنگی و ورزشی جمهوری اسلامی هستیم. ما بارها اعلام کرده ایم جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنهاست. دولتها و نهاد های بین المللی باید هر رابطه ای با این حکومت را قطع کنند و آنرا بعنوان حکومت ایران برسمیت نشناسند. این امر کمک موثری به پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی و وارد کردن ضربه نهائی به جمهوری اسلامی، و نقطه پایانی به پروژه هسته ای و جنگ افروزیها و تروریسم جهانی و منطقه ای اش خواهد بود.

۳ فروردین ۱۴۰۴، ۲۳ مارس ۲۰۲۵

وضوح وحشت از خیزش بر سر معیشت در پیام نوروزی خامنه ای

مهران محبی



ناامید از پیدا کردن راهی برای برون رفت نبوده است.

تهدیدات ترامپ جدی هستند و خطر خیزش جامعه برای یک سره کردن

کار حکومت بسیار جدی تر است. هر انتخابی که بکند، نمی تواند خطر سرنگونی به دست مردم را از بالای سر حکومت اش دور کند. اگر با هدف کاهش فشار تحریم ها و دمیدن جان هر چند ضعیفی به اوضاع اقتصادی، تسلیم شدن به ترامپ را انتخاب کند، جامعه ای که او و حکومت اش را به این روز انداخته اند، با قدرت و با اعتماد به نفس بیشتر جلوتر خواهد آمد و زودتر سرنگونش خواهد کرد. و اگر هم تسلیم نشود و حتی در صورت حمله نکردن آمریکا و اسرائیل به مراکز هسته ای و نظامی اش، با فشارهای شدیدتر عمومی و معیشتی و به احتمال خیلی زیاد با خیزش جدید انقلابی مواجه خواهد شد.

خامنه ای در پایان پیام اش در مورد اوضاع داخلی و اقتصادی و معیشتی مردم نیز صحبت کرد. اما چیزی غیر از اعتراف به شکست و درماندگی و در عین حال التماس از مردم برای سرنگون نکردن حکومت اش نداشت تا بگوید. به شکست تحقق شعار اقتصادی سال گذشته اش (جهش تولید با مشارکت مردم) اعتراف کرد و باز هم از مردم "له" شده در زیر فشارهای معیشتی خواست تا بیشتر دندان روی جگر بگذارند و بیشتر فقر و ناداری و گرانی را تحمل کنند. همچنین درخواست کرد تا مردم پول هایشان را هزینه خرید طلا و دلار و مسکن که به زعم او مضر و مخرب برای اقتصاد هستند، نکنند و در بخش تولید سرمایه گذاری کنند و شعار مسخره برای سال جدید را هم بر این مینا، "سال سرمایه گذاری برای تولید" تعیین کرد.

این جانی و نماد حکومت تماما جنایتکار اسلامی که حامدانه صاحبان ثروت که پولشان را در زمینه طلا و دلار و مسکن سرمایه گذاری می کنند را با اکثریت جامعه شامل کارگر و زحمتکش و مزدبگیر و بیکار و محروم از هر درآمدی، یک جا "مردم" مورد خطاب قرار می دهد. هدفش از این کار هم انکار فقر و فلاکتی است که بر زندگی این اکثریت مردم سایه افکنده است و هم انداختن تقصیر بن بست اقتصادی بر گردن خود مردم است.

اما مردم، یعنی همان اکثریت در فقر و فلاکت گیر افتاده که پول کافی حتی برای سیر کردن شکم خود ندارند، همان مردمی که در روزهای نزدیک به سال نو پولی برای خرید کفش و لباس نو و شیرینی و آجیل برای فرزندان در حسرتشان نداشتند، می دانند که همان کسانی که در باندهای مافیائی حکومتی مشغول دزدی و غارت هستند، پول دارند و پول هایشان را به طلا و دلار تبدیل می کنند. مردم خامنه ای و حکومت دزد و فاسد و جنایتکارش را می شناسند. آخوند مکارم شیرازی معروف به سلطان شکر و آخوند صدیقی دزد و کلاهبردار نماینده خامنه ای و سرداران سپاه هزاران دزد ریز و درشت دیگر حکومت را که در جریان سهم خواهی ها و جدال های باندهای رژیم با یکدیگر پرونده هایشان "رو" شده می شناسند و به خاطر دارند.

مردم با وجود مشکلات معیشتی و فقر و ناداری و با حمل غم و اندوه فقدان عزیزان جانباخته خود به دست رژیم جنایتکار، در روزهای پایانی سال گذشته و شروع سال جدید با شادی و رقص در ایام رمضان و قدر و کشته شدن علی که از نمادهای اسلامی حکومت هستند، سالی پر تحرک و اعتراضی تری را برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی نوید دادند.

خامنه ای طبق معمول هر ساله بعد از لحظه "سال تحویل" در تلویزیون ظاهر شد تا پیام خود را بگوید. رخسار وحشت زده و خسته خامنه ای قبل از اینکه به زبان بیاید و پیام اش را اعلام کند، بیانگر گام نهادن حکومت اش در سالی بود که امیدی به پایان رساندن آن را ندارد.

او هیچ تبریک و شادباشی به مردم نگفت و فقط به بیان متقارن بودن ایام نوروز با شب های "قدر" و کشته شدن "علی" و توصیه به بهره گیری از برکات این شب ها برای تحمل مشکلات پرداخت. حق هم داشت که به مردم تبریک و شادباش نگوید. هیچ آدمی به دشمن اش به هیچ مناسبتی شادباش نمی گوید و خامنه ای نیز از این جهت محق بود که به دشمن اصلی اش که همین جامعه بیش از 80 میلیونی هستند، سال نو و نوروزشان را تبریک نگوید.

همین مردمی که 46 سال با رژیم جمهوری اسلامی و خامنه ای دشمنی کرده و بارها تا لبه سرنگونیشان کشانده اند، همین مردمی که خیزش های 88 تا 98 را خلق کرده و انقلاب "زن، زندگی، آزادی" را از 401 شروع کردند و همین مردمی که دارند انقلابشان را به پیش می برند و با تعمیق و رادیکالیزه و هر چه بیشتر انسانی تر کردنش کلیت جمهوری اسلامی را به چالش میکشند. مردمی که خامنه ای و همه سران و سردارانش را به این مذلت و بن بست کشانده اند. مردمی که با پیشروی های برگشت ناپذیرشان باعث شده اند تا امروز خامنه ای در رأس حکومت و به عنوان نماد آن به هر طرف که سر می چرخاند، بن بست و سرنگونی را می بیند و با وحشت و اضطراب و رعشه در برابر دوربین تلویزیون ظاهر می شود تا با صدای لرزان و از "ته" گلو، نه به مردم، بلکه به طرفداران و مزدورانش دلداری بدهد و توصیه کند که برای تحمل مشکلات (تاب آوردن در برابر اعتراضات و به احتمال زیاد خیزش مردم) به برکات شب های قدر امید ببندند. مردمی که دشمنان واقعی و اصلی خامنه ای و حکومت اش هستند، دیدن این ذلالت خامنه ای، خود بهترین هدیه و شادباش برایشان است.

بگذریم از اینکه حال و وضع خامنه ای به هیچ وجه خوب نیست و اگر هر کس دیگری در چنین اوضاع روحی و پریشانی ای باشد، باید در یک محیط بسته و ساکت، و دور از هیاهو و جنجال در بستر باشد. نه اینکه در تلویزیون ظاهر شود. اما صحبت هایش برای دور و بری های خودش هم دلگرم کننده و روحیه بخش نبود. ابتدای صحبت اش این بود که سال سپری شده، سالی پر ماجرا بود. ترور سرداران سپاه در دمشق، کشته شدن رئیسی، ترور "هنیه" در تهران و کشته شدن حسن نصرالله و دیگر سران تروریست و حملات ارتش اسرائیل به داخل خاک ایران را ردیف کرد و نهایتا تلاش کرد تا شکست هایش را به "حوادث تلخ" تعدیل کند.

ولی خامنه ای در پیام نوروزی اش نتوانست بگوید که حماس و حزب الله و محور مقاومت پیروز شده اند و اسرائیل شکست خورده است! اگر چه روز بعد در جمع سران و سرداران حکومتی و نظامی لحن صحبت و جملاتش به تهدید و رجزخوانی علیه آمریکا و اسرائیل تغییر پیدا کرد. این "شل و سفت کن ها" و "تلطف و تهاجمی" کردن های پیاپی در گفته های خامنه ای قابل درک و ناشی از پریشان حالی او تحت تأثیر فشارها و سردرگمی هایش در یافتن راهی برای نجات است.

ترامپ "دستش را توی پوست گردو گذاشته" و باید تا کمتر از دو ماه دیگر، یا تسلیم خواسته های او شود یا پذیرای حملات به مراکز هسته ای و نظامی خود گردد. از طرف دیگر شادی و رقص و شعارها و به اهتزاز در آمدن پارچه هایی به رنگ سرخ در مراسمات نوروزی و حضور بر مزار جانباختگان، احساس نزدیک بودن خطر انقلاب را تا اعماق وجود خامنه ای نفوذ داده است. تا حالا به این شدت زیر فشار و

علیه تحرک پان ترکیست‌ها و تفرقه‌اندازی جمهوری اسلامی در ارومیه

اتکا به تعدادی از فاشیست‌های ترک و تعدادی از مزدوران کرد تلاش کرد شکست خود را جبران کند.

اما درد مشترک میلیون‌ها مردم آذربایجان اعم از آذری یا کرد زبان، فقر و محرومیت، تبعیض و سرکوب و بی‌حقوقی و دشمن واحد است. شعار «یاشاسین کردستان بڑی آذربایجان» (و شعار «آذربایجان بیدار است حامی کردستان است» «سیمای واقعی مردم آذربایجان و همبستگی عمیق میان آنها و مردم کردستان را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی که می‌داند جامعه در آستانه خیزشی عمیق‌تر از همیشه است تلاش می‌کند همبستگی و اتحاد میان مردم را بهم بزند و با ایجاد تفرقه و نفرت میان بخش‌های مختلف مردم این همبستگی را تضعیف کند و این بسیار هشدار دهنده است.

حزب کمونیست کارگری این توطئه‌ها را شدیداً محکوم می‌کند و مردم آزاده در ارومیه و در سراسر آذربایجان و کردستان و سراسر کشور را فرامی‌خواند که جلو توطئه‌های حکومت و مزدورانش بایستند، این تفرقه افکنی‌ها را افشا کنند و صفوف خود را هر چه بیشتر علیه حکومت و فاشیست‌ها و قوم‌پرستان مستحکم کنند.

نابود باد جمهوری اسلامی

زنده باد زن زندگی آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ فروردین ۱۴۰۴، ۲۴ مارس ۲۰۲۵

روز دوم فروردین تعدادی از پان ترکیست‌ها و گرگ‌های خاکستری در ارومیه دست به تظاهراتی با شعارهای فاشیستی علیه مردم کردستان و کردهای مقیم ارومیه زدند. در این تجمع که با همراهی نادر قاضی‌پور از بسیجی‌های دهه شصت و نماینده سابق مجلس اسلامی برپا شده بود تعداد معدودی از پان‌ترکیست‌ها شعار می‌دادند: «ارومیه ترک است و ترک می‌ماند (و) «خاک آذربایجان قابل بخشیدن نیست. «آنها پوسته‌هایی از ملاحسنی جنایتکار در دست داشتند و با شعار علیه مردم کردستان آنها را مورد تهدید قرار دادند. جمهوری اسلامی بعداً اعلام کرد که تعدادی از دست‌اندرکاران این تجمع را دستگیر کرده است اما کاملاً روشن بود که این تظاهرات توسط عوامل خود جمهوری اسلامی سازمان داده شده است.

هدف جمهوری اسلامی از یک طرف ایجاد نفرت میان مردمی است که صدها سال است با هم کار و زندگی می‌کنند و بویژه از مقطع انقلاب زن زندگی آزادی همبستگی خود علیه جمهوری اسلامی را تقویت کرده‌اند و از طرف دیگر واکنشی بود در مقابل جشن‌های بسیار گسترده مردمی در شهرهای کردستان و مراسم نوروزی هزاران نفره ۲۸ اسفند در منطقه میدان تیر ارومیه. مردم شهرهای کردستان در هفته‌های گذشته به بهانه چهارشنبه سوری و نوروز و علیرغم تهدیدات حکومت از جمله به بهانه ماه رمضان، مراسم‌های مختلف دهها هزار نفره همراه با رقص و شادی زنان بی‌حجاب برپا کرده، به بی‌حجابی ابعادی بسیار گسترده‌تر دادند و دیوارهای آپارتاید جنسیتی را در هم شکستند. رژیم که توان جلوگیری از این مراسم‌ها را نداشت، تلاش کرد کنترل آنها را به دست بگیرد اما شکست خورد. در ارومیه اما با

جشن و شادی مردم علیه بساط آپارتاید جنسیتی حاکم

نوروزتان خجسته باد

چهارشنبه سوری و نوروز امسال ویژه بود. مردم در چهارشنبه و نوروز در شهرها و مناطق مختلف با شادی و روشن کردن آتش و رقص مختلط زن و مرد بساط آپارتاید جنسیتی حکومت را به چالش کشیدند و فریاد زن زندگی آزادی را سر دادند. در چهارشنبه سوری در جاهایی طناب دار آتش زدند و فریاد نه به اعدام، زن زندگی آزادی سر دادند. از جمله در ایذه در زادگاه آرتین رحمانی از جانب‌اختگان انقلاب جوانان آتش بر پا کردند و به یاد او شعار مرگ بر خامنه‌ای سر دادند. در ارومیه نیز مردم با آتش زدن نمادین طناب دار و با شعارهایی «نه به اعدام»، زنده باد آزادی و «زن، زندگی، آزادی» جشن گرفته شد.

در آستانه سال نو در رشت فعالان مدنی و صنفی و کارگری و هم بندی‌های منوچهر فلاح و شریفه محمدی دو زندانی محکوم به اعدام، جلوی زندان لاکان با توجه به برگزاری شصتمین هفته سه شنبه‌های نه به اعدام در زندان و در ۳۸ زندان دیگر جمع شدند و با برپا کردن سفره هفت سین، خواهان لغو اعدام این دو زندانی و سایر زندانیان محکوم به اعدام شدند.

در سقز مادر مهسا امینی این نماد انقلاب ژینا، ساعتی پس از تحویل سال نو و به مناسبت نوروز، تصاویری از شادی و رقص مردم در جشن‌های نوروزی را منتشر کرد؛ تصاویری که تصویر دخترش نیز در میان آنها نقش بسته بود. به مناسبت نوروز خانواده‌های دادخواه با رفتن بر سر مزار عزیزان جانب‌اخته خود فریاد دادخواهی سر دادند. کارگران و بخش‌های مختلف معترض جامعه با پیامهای نوروزی خود اولتیماتوم به اعتراضاتی گسترده‌تر دادند.

در تهران جشنی سراسری در محلات مختلف برپا شد. شماری از شهروندان



مردم در مراسم چهارشنبه‌سوری در شهر زیبا، در محل زندگی حمیدرضا روحی، گرد آتش حلقه زده و آهنگ «قاف» (را به یاد او هم‌خوانی کردند. در شهرک اکباتان نیز که یکی از کانونهای تحرکات دختران و پسران علیه آپارتاید جنسی بوده است، نیز مردم با رقص و شادی و همخوانی ترانه «برای» (در چهارشنبه سوری آزادی را فریاد زدند و به استقبال سال جدید رفتند.

روزهای پایان سال است و مردم در تهران و شهرهای مختلف کردستان و جنوب و مناطق دیگر با رقص مختلط زن و مرد و زیر پا له کردن بساط آپارتاید جنسیتی سالی پر از اعتراض برای رهای از جهنم جمهوری اسلامی را نوید میدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۳۰ اسفند ۱۴۰۳، ۲۰ مارس ۲۰۲۵



سلگی، از معلمان معترض زندانی که دوران محکومیتش را در زندان نهاوند سپری می‌کند، به مرخصی اعزام شد. در روز ۲۸ اسفند نیز ایرج توبه ایها (نجف‌آبادی)، عضو کانون صنفی معلمان نجف‌آباد، از زندان دستگرد اصفهان به مرخصی اعزام شد. حمیداله سکی، ایرج توبه ایها و دیگر معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

چهارشنبه ۲۹ اسفند: اعتراضات پرستاران بر سر خواستها و مطالباتشان تا آخرین روزهای سال ۱۴۰۳ ادامه داشت. روز ۲۹ اسفند پرستاران و کادر درمان بیمارستان امام رضای تبریز بعد از یک هفته اعتصاب به خیابان آمدند و با راهپیمایی و شعار دادن پیگیر مطالباتشان شدند. مطالبات اعلام شده پرستاران عبارتند از: لغو فوری اضافه کاری و شیفت های اجباری، پرداخت فوری تمام معوقات حقوقی و رفاهیات، افزایش حقوقها متناسب با میزان واقعی نرخ تورم و رشد روز افزون آن با توجه به خط فقر و افزایش نرخ دلار، دریافتی هیچ پرستاری نباید از کمتر از ۶۰ میلیون تومان باشد، برگشت به کار همکاران اخراجی و لغو تمام توبیخ نامه ها و اخطارهای امنیتی.

سه شنبه ۲۸ اسفند: در چند ساعت مانده به جشن چهارشنبه سوری پرستاران در کردستان در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالبات خود در برابر استانداری کردستان تجمع کردند. در روز گذشته نیز جمعی از پرسنل فوریت‌های پزشکی جانورود مقابل ساختمان شماره یک دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه تجمع و اعتراض کردند.

- پرستاران بیمارستان "امام رضا" در تبریز نیز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود، مقابل ساختمان اداری این بیمارستان تجمع کردند.

- جمعیت بزرگی از متقاضیان مسکن ملی در اعتراض به اختلاسها و تأخیر در اجرای پروژه‌های مسکن ملی مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین تجمع کردند.

- کارزار سه شنبه های نه به اعدام در شصتمین هفته در ۳۸ زندان کشور جریان یافت. اعضای این کارزار ضمن تبریک سال نو بر ادامه اعتراضات علیه سرکوبها و اعدامها در ایران تاکید کردند.

دوشنبه ۲۷ اسفند: کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لوان، برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. خواستهای اعلام شده کارگران رسمی نفت عبارتند از: حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوقهای ورشکسته، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات، بازگرداندن مالیاتهای وضع شده، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن.

- بازنشستگان مخابرات در آخرین هفته از دوشنبه های اعتراضی خود در سال جاری در اعتراض به مشکلات معیشتی و علیه فقر و گرانی و اختلاسگرها در چندین شهر تبریز، رشت، بیجار، بندرعباس تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند.

کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست

دوشنبه ۴ فروردین: کشاورزان در اصفهان با تراکتورهای خود برای دهمین روز پیاپی، در اعتراض به غصب حقابه ی خود توسط مافیای آب نهادهای حکومتی تجمع کردند.

یکشنبه ۳ فروردین: بارش باران در ایذه و اهواز، به دلیل زیرساخت‌های فرسوده و ناتوانی حکومت در اداره جامعه، به کانال‌های خروشان سیلاب تبدیل شدند.

-- به دنبال انتشار اخباری درباره واگذاری اسکله تاریخی درگهان به بخش خصوصی، موجی از اعتراضات در میان مردم این منطقه شکل گرفت. در این رابطه در واکنشی کم‌سابقه، حدود ۲۰۰۰ نفر از اهالی درگهان با تشکیل زنجیره‌ای انسانی به طول ۷۰۰ متر، اعتراض خود را نسبت به این تصمیم ابراز کردند.

شنبه ۲ فروردین: بر اثر بارش‌های شدید سیلاب و آب‌گرفتگی در بخش‌هایی از استان‌های کرمانشاه و ایلام خسارت سنگینی به خانه‌های روستاییان، دام‌ها و زمین‌های زیر کشت کشاورزان و باغداران وارد آمده است. بنا بر گزارشات سیل‌ده‌ها گوسفند را در شهرستان "هلیلان" ایلام با خود برده و باعث تخریب و آسیب منازل مسکونی در روستای داربدره فیروزآباد کرمانشاه شده است. در این روستا ورود تخته‌سنگ‌های عظیم به داخل منازل مسکونی نه تنها قدرت هولناک سیل را نشان داد، بلکه زنگ خطری جدی برای ساکنان بی‌پناه این منطقه بود که حالا با خانه‌های تخریب‌شده و زندگی‌های بر باد رفته دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در ایلام رودخانه جزمان طغیان کرده و آب رودخانه‌های فصلی شهرستان دهلران بالا آمده است. در استان گیلان راه دسترسی به بیش از ۲۰ روستا قطع شده است. هواشناسی کشور نسبت به بارش شدید برف و باران و جاری شدن سیلاب در سیزده استان از جمله لرستان، چهارمحال‌وبختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، فارس و بوشهر هشدار داده است.

جمعه ۱ فروردین: بنا بر خبر دریافتی تعداد ۱۰۰ نفر از نیروهای تأمین نیرو، تأسیسات، سنگ‌شکن، عمران، موتور و دیگر واحدهای شهرداری اعتراض خود را به عدم دریافت حقوق و عیدی آخر سال و تهدید به اخراج از کار توسط شهرداری، رسانه‌ای کردند. این کارگران در رابطه با مشکلات معیشتی و کاری خود تجمع کرده‌اند.

پنجشنبه ۳۰ اسفند: آرزو-جلیل‌زاده، معلم بازداشتهی اهل سردشت، به‌صورت مشروط و با قید وثیقه از زندان مرکزی ارومیه آزاد شد. در این روز همچنین حمیداله



برای طناب دارشان دنبال گردن می‌گردند!
#نه_به_اعدام ، #اعدام_قتل_عمد_دولتی_است
و شریفه محمدی
در خطر اجرای حکم اعدام است.
برپاخیز برای زن، زندگی، آزادی



- بازنشستگان مخابرات در آخرین هفته از دوشنبه‌های اعتراضی خود در سال جاری در اعتراض به مشکلات معیشتی و علیه فقر و گرانی و اختلاسگری‌ها در چندین شهر از جمله در اهواز تجمع کردند.

یکشنبه ۲۶ اسفند

- بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در اعتراض به فقر و گرانی و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود در چند شهر از جمله در شوش و اهواز تجمع و اعتراض کردند.

- بازنشستگان فولاد مثل هفته‌های گذشته برای پیگیری مطالبات خود و علیه بدتر شدن هرروزه وضع معیشتی خود و اختلاسگری‌های حاکم در اهواز تجمع داشتند.

شنبه ۲۵ اسفند

- دادگاه انقلاب اهواز قرار بازداشت رضا حزباوی، شاعر و فعال اجتماعی اهل اهواز را تمدید کرد. او در ۱۹ آذر در کوت عبدالله در منزل توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. در این مدت قرار بازداشت وی چندمین بار تمدید شده است.

جمعه ۲۴ اسفند

- ۹ نفر از زندانیان عقیدتی بند ۸ زندان شبیان اهواز، از بیستم اسفندماه در اعتراض به شرایط نامناسب زندان و ادامه بازداشت خود، در اعتصاب‌غذا به سر می‌برند. اعتراض آنان که اکنون وارد پنجمین روز خود شده، به عدم دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، شکنجه و بدرفتاری و بلا تکلیفی قضایی است. اسامی این زندانیان عبارت‌اند از: محمد مروانی، حسون دلفی، حسین سیلاوی، خلیل خسرجی، رضا معاوی، یونس غرباوی، علی بروایه، نادر هلیچی (عموری) و هادی حیدری.

هادی حیدری، یکی از این زندانیان از بیماری سنگ کلیه رنج می‌برد و از درمان محروم است. نادر هلیچی (عموری)، زندانی عقیدتی از منطقه کوت عبدالله اهواز که سه ماه قبل دستگیر شده به دلیل وخامت حال جسمانی ناشی از اعتصاب‌غذا، روز ۲۳ اسفند، به بیمارستان "فاطمه الزهرا" منتقل شد. هم اکنون کارزاری از سوی شبکه جهانی دفاع از زندانی سیاسی و عقیدتی تحت عنوان "نگذارید قلبشان از تپش بازایستد" در اعتراض به محروم کردن زندانیان از دارو و درمان و قتل خاموش آنان، در جریان است. از این کارزار حمایت کنید. محروم کردن زندانی از دارو و درمان و خوراندن روان‌گردان به زندانیان بخشی از سیستم شکنجه و سرکوب حکومت در زندان‌هاست. با فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد مقابل این جنایت آشکار بایستیم.

- مردم اهواز به وضعیت گل‌آلود، آب آشامیدنی اعتراض دارند و با انتشار عکس‌هایی از آن در مدیای اجتماعی صدای اعتراضشان را بلند کرده‌اند. کاربری در مدیای اجتماعی می‌نویسد "آب و برق رو برایمان مجانی نکردند هیچ، آب گران گلی برایمان می‌فرستند". آلودگی آب و بی‌آبی، قطع برق، هوای آلوده موضوعات اعتراض مردم در خوزستان و بسیاری از مناطق دیگر کشور است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱ فروردین ۱۴۰۳، ۲۱ مارس ۲۰۲۵

نوروزتان پیروز

از خوزستان خبر می‌رسد؟

۲۴ اسفند ۱۴۰۳ تا ۱ فروردین ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۱ فروردین

- بنا بر خبر دریافتی تعداد ۱۰۰ نفر از نیروهای تأمین نیرو، تأسیسات، سنگ‌شکن، عمران، موتوری و دیگر واحدهای شهرداری اعتراض خود را به عدم دریافت حقوق و عیدی آخر سال و تهدید به اخراج از کار توسط شهرداری، رسانه‌ای کردند. این کارگران در رابطه با مشکلات معیشتی و کاری خود تجمع کرده‌اند.

- اعتراضات کشاورزان شرق اصفهان در اعتراض به غصب حقایق خود به دست نهادهای حکومتی، در سال نو نیز ادامه دارد. آنها سال نو ۱۴۰۴ را با تراکتورهایشان در حال تحصن و اعتراض آغاز کردند.

پنجشنبه ۳۰ اسفند

- ایمان خدروی زندانی سیاسی سابق و اهل ایذه امروز از بازداشتگاه اطلاعات سپاه اهواز به زندان آبادان منتقل شد. بنا بر اخبار منتشر شده و به نقل از وکیل وی او ساعت سه عصر روز چهاردهم اسفند توسط چهار خودروی شخصی در منزل خود در مسجد سلیمان بازداشت شده و بی‌خبری از وی موجب نگرانی خانواده شده بود.

چهارشنبه ۲۹ اسفند

- کارگران رسمی و بازنشستگان مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز در اعتراض به بدتر شدن وضع معیشتی خود تجمع و راهپیمایی کردند.

- جابر صخرآوری (صخرآوری) فعال سیاسی بعد از ۱۱ سال حبس در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران، از زندان شبیان اهواز آزاد شد. آزادی وی را به او، به خانواده و همگان تبریک می‌گوییم. با اعتراضات گسترده سال ۱۴۰۴ را به سال باز کردن در زندان‌ها و رهایی از جهنم جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

سه‌شنبه ۲۸ اسفند

- امان جلالی نژاد معلم زندانی زاهدانی در اهواز پیشتر به ۳ سال و ۶ ماه حبس محکوم و این حکم توسط وی و وکیلش فرزانه زیلابی مورد اعتراض قرار گرفته بود. در ادامه پیگیری‌ها سرانجام احکام وی در شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر نقض و از اتهامات وارده تبرئه شد. البته پرونده وی در بخش اتهامات امنیتی در شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز همچنان مفتوح است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن گزارش این خبر اعتراض خود را نسبت به سرکوب و بازداشت فرهنگیان و کشتن گران صنفی اعلام و خواستار خواهان آزادی همه معلمان زندانی و مختومه شدن همه پرونده‌ها علیه معلمان شده است.

- در چهارشنبه‌سوری امسال مردم در شهرهای بسیاری با شادی و روشن کردن آتش و رقص مختلط زن و مرد بساط آپارتاید جنسیتی حکومت را به چالش کشیدند. در جاهایی طناب دار آتش زدند و فریاد نه به اعدام، زن زندگی آزادی سر دادند. از جمله در روستای بیان در ایذه زادگاه آرتین رحمانی از جان‌باختگان انقلاب جوانان آتش بر پا کردند و به یاد او شعار مرگ بر خامنه‌ای سر دادند.

بیانیه جمعی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه پیرامون تصویب حداقل مزد به دستمزد مصوب شورای عالی کار اعتراض داریم



صعود نرخ دلار محاسبه شود و بر اساس رشد تورم میزان آن در طول سال افزایش یابد. ما کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه برای تغییر وضع موجود بیش از هر زمانی به تلاش و مبارزه متحد خود ادامه خواهیم داد.

جمعی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برگرفته از مدیای اجتماعی

ما جمعی از کارگران زحمتکش شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه اعتراض خود را به تصمیم شورای عالی کار و تعیین دستمزد اعلام میکنیم. در شرایط فعلی که تورم همه اقلام ضروری خانوار، سر به فلک کشیده، مزد باید به گونه‌ای تعیین شود که کارگر از پس تامین هزینه‌های جاری زندگی بریاید. لذا ما بخشی از کارگران شرکت هفت تپه اعلام می‌داریم که با تعیین دستمزد براساس نرخ‌های تورم ساختگی دولتی که هیچ انطباقی با واقعیت ندارند، مخالف هستیم. باید هزینه‌های واقعی زندگی، مبنای تعیین مزد و مستمری قرار بگیرد. لذا باید به این وضع خاتمه داده شود. ما کارگران شاغل در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، اعلام می‌کنیم که حداقل دستمزد در مذاکرات مزدی را تنها با حضور نمایندگان واقعی و مستقل طبقه کارگر مطابق با هزینه‌های واقعی سبد معیشت و افزایش آن در طول سال برسمیت میشناسیم. تعیین مزد و حقوق بر مبنای هزینه‌های واقعی سبد معیشت و پایان دادن به فقر و بردگی خواست همه مردم است.

ما همصدا با دیگر همکاران کارگر معترض که در بیانیه‌های خود به دستمزدهای مصوب شورای عالی کار معترض شدند، دستمزد کمتر از نرخ واقعی سبد معیشتی را جرم میدانیم و اعلام میکنیم که حداقل دستمزد نباید کمتر از شصت میلیون باشد. حرف مشخص امروز ما اینست که در برابر هزینه‌های دلاری باید حداقل دستمزد نیز بر اساس



در حاشیه تظاهرات دوم فروردین ۱۴۰۴ در ارومیه - محمد شکوهی

سوء استفاده اینها از موقعیتی که دارند، به کارگیری آنها توسط رژیم، تلاش برای تفرقه افکنی بین مردم کرد و ترک است. بخطر شدن جریانات پان ترکیست و ناسیونالیست ترک پشت دار و دسته

پزشکیان و نمایندگان حکومت، نامه نگاری اینها با مزدوران محلی حکومت و تقاضای جلوگیری از مهاجرت و زندگی کردها در ارومیه و اطراف آن، بخشی از سیاست ارتجاعی اینهاست. اینها برای دفاع از هویت ترکی شان حاضر بوده و حاضرند دست به هر کاری بزنند. حتی همکاری با حکومت آدمکش اسلامی.

جمهوری اسلامی، جریانات پان ترکیست، مزدوران محلی کرد رژیم و جریانات ناسیونالیست پ ک ک و... همه ضد مردمان منتسب به کرد و ترک هستند. تلاش‌ها و تفرقه‌های این دار و دسته‌ها با حمایت باندهایی از حکومت در ارومیه، سیاست کثیف ضد مردمی و تحریک قوم گرایی است. در برابر این سیاستها باید ایستاد.

مردم ارومیه اعم از ترک یا کرد، علیرغم تبلیغات پان ترکیستها، جاشها و هواداران جمهوری اسلامی، صدها سال است با هم زندگی میکنند و در انقلاب زن زندگی آزادی نیز در کنار هم بودند و اکثریت قریب به اتفاق آنها مخالف جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی این حکومتند و به خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی به اشکال مختلف تلاش میکند اتحاد آنها را بهم بزند. در برابر تبلیغات تفرقه افکنانه هر دو طرف که قصد دارند مبارزه و اعتراض مردم علیه رژیم را به انحراف بکشاند، باید ایستاد و از حقوق همه انسانها صرف نظر از ملیت و نژاد و زبان و مذهب دفاع کرد.

۲ فروردین ۱۴۰۴

تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!

روز شنبه دوم فروردین تظاهراتی توسط جریانات پان ترکیست در ارومیه سازمان داده شد تا به بهانه جشنی که چند هفته قبل توسط تعدادی از عناصر کرد وابسته به حکومت سازمان داده شده بود میان مردم کرد و ترک تفرقه ایجاد کند. در هر دو برنامه نقش جمهوری اسلامی کاملاً مشهود بود.

* ماجرا چه بود؟

در هفته‌های اخیر کردهای هوادار حکومت عضو شورای شهر ارومیه، یا همان جاشها، به همراه عناصری از پ ک ک که با رژیم همکاری می‌کنند، فراخوان برگزاری جشن نوروز را داده بودند، که این مراسم حکومتی در خارج شهر و در منطقه «میدان تیر ارومیه» برگزار شد و اراذل و اوباش جمهوری اسلامی و کردهای عراقی هوادار حکومت گرداننده اصلی این مراسم بودند.

روز دوم فروردین جریانات پان ترکیست با بهانه قرار دادن موضوع جشن کردهای حکومتی، با براه انداختن تظاهرات، اقدام به شعاردهی علیه کل مردمان کرد ساکن ارومیه کرده‌اند.

فیلمها و گزارشاتی که مدیای جریانات پان ترکیستی پخش کرده‌اند، نشان میدهد که این جریانات چقدر خطرناک و ضد مردم هستند. تکرار شعارهای کرد ستیز، بلند کردن دستها با علامت فاشیست‌های «بوز قورت» (به همراه شعارهای فاشیستی نشان میدهد که این جریانات در صدد سوء استفاده از احساسات مردم منتسب به ترک بر علیه مردمان منتسب به کرد هستند. سیاستی که اینها همیشه دنبالش بوده‌اند.

چند نکته در این مورد لازم است تاکید شود:

جشن نوروز جاش‌ها و مزدوران کرد حکومت ربطی به توده‌های مردم و ربطی به ملیت آنها ندارد. اینها تعدادی از عناصر حکومتی بوده و جشن آنها نیز بخشی از توطئه خود جمهوری اسلامی برای دامن زدن به تفرقه‌های قومی است.

زدن اتهام به مردم منتسب به کرد به هواداری از حکومت آدمکشان، بی ربط بوده و موضوعیت ندارد.

سیاستهای جمهوری اسلامی و مزدوران کرد در دم و دستگاهها و ادارات محلی و

گزارشی از دیدار با اعضای هیات مدیره اتحادیه کارکنان دولتی بریتیش کلمبیا در کانادا (BCGEU)



قبل از ظهر جمعه، ۲۱ مارس ۲۰۲۵ (یکم فروردین ۱۴۰۴) هیاتی از فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی در غرب کانادا با پرزیدنت و اعضای هیات مدیره اتحادیه کارکنان دولتی بریتیش کلمبیا در محل دفتر مرکزی این اتحادیه ملاقات کردند. هیات شرکت کننده در این دیدار عبارت بودند از: تهمینه صادقی، مینا بهروزی، اراد رها، ابراهیم لشکری، ژینو ابراهیمی و عباس ماندگار. هدف از این ملاقات تشکر و قدردانی از همبستگی و حمایت این اتحادیه از جنبش کارگری در ایران و تبریک به هیات مدیره جدید این اتحادیه بخاطر موفقیتشان در انتخابات بود. در آغاز این دیدار، پال فینچ، پرزیدنت و از حامیان جدی جنبش کارگری در ایران، نوروژ و سال نورا تبریک گفت و به هیات فری دم ناو خوش آمد گفت. او سپس از تلاش فری دم ناو در انعکاس مبارزات کارگران در ایران تقدیر کرد. تهمینه صادقی، مینا بهروزی و عباس ماندگار ضمن معرفی خود و دیگر اعضای هیات فری دم ناو از حمایت‌های بی دریغ اتحادیه کارکنان دولتی بریتیش کلمبیا از جنبش کارگری در ایران قدردانی و تشکر کردند.

بر اساس گزارش عباس ماندگار از این دیدار در ادامه گفتگوها تهمینه صادقی توضیحاتی در مورد موقعیت خطیر کارگران مهاجر در کانادا داد و ابراز آمادگی کرد که فعالین فری دم ناو میتوانند با همیاری یکدیگر به نیروهای کار تازه وارد در کانادا کمک کنند که به حقوق خود آشنا و در صورت نیاز به آنها مشاوره داده شود که برای پیگیری حقوق خود چه کنند. تهمینه و عباس ماندگار ضمن اشاره به فعالیت‌های تا کنونی در این زمینه تاکید کردند که چنانچه این مهم را در همکاری با هم انجام دهیم، مسلماً تاثیرگذارتر و موفقتر خواهد بود. مسعود ارژنگ معاون هیات مدیره و هماهنگ کننده فعالیتهای بین المللی این اتحادیه نیز از این ایده استقبال کرده و اظهار داشت که این حرکت می‌تواند آغازی از یک فصل تازه در روابط فری دم ناو با این اتحادیه باشد و سطح همکاریها را ارتقاء داد. اظهارات مسعود ارژنگ، مورد تایید پال فینچ و دیگر اعضای هیات مدیره قرار گرفت.

در این دیدار فعالین فری دم ناو همچنین در مورد مبارزات جاری کارکنان در مانگاه‌های زنجیره ای Life Lab که در اعتصاب به سر می‌برند صحبت کرده و اعلام کردند که در پیکت لاین‌های آنها شرکت کرده و از اعتصاب آنان در مبارزه برای رسیدن به خواسته‌های بحقشان پشتیبانی می‌کنند. بدنبال این دیدار نیز فعالین فری

دم ناو راهی حضور در یکی از پیکت لاینها خواهند شد. در خاتمه این دیدار همبستگی فعالین فری دم ناو با هدیه چند کلاه زن زندگی آزادی به هیات مدیره و گرفتن عکسی دسته جمعی نشست را به پایان برده و مراتب تشکر خود را از تلاش مسعود ارژنگ برای برپایی چنین دیداری اعلام داشتند. در این دیدار رهبران اتحادیه بی سی جی ای یو همراه با فعالین فری دم ناو با در دست گرفتن بنر بزرگ فری دم ناو و پوسترهایی از پخشان عزیزی، شریفه محمدی، عباس دریس، و وریشه مرادی و دیگر زندانیان سیاسی که در خطر اعدام قرار دارند و کارگران و فعالین زندانی انزجار خود را از سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی اعلام داشتند.

۲۲. مارس ۲۰۲۵.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

برگرفته از میدیای اجتماعی

کار همکاران اخراجی و لغو تمام توییح نامه‌ها و اخطارهای امنیتی. از اعتراضات پرستاران وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ اسفند ۱۴۰۳، ۲۰ مارس ۲۰۲۵

اعتراضات پرستاران ادامه دارد

-اعتراضات پرستاران بر سر خواسته‌ها و مطالباتشان تا آخرین روزهای سال ۱۴۰۳ ادامه داشت. روز ۲۹ اسفند پرستاران و کادر درمان بیمارستان امام رضای تبریز بعد از یک هفته اعتصاب به خیابان آمدند و با راهپیمایی و شعار دادن پیگیر مطالباتشان شدند.

روزهای پایان سال است و مردم در تهران و شهرهای مختلف کردستان و جنوب و مناطق دیگر با رقص مختلط زن و مرد و زیر پا له کردن بساط آپاراتید جنسیتی سالی پر از اعتراض برای رهای از جهنم جمهوری اسلامی را نوید میدهند. در عین حال تا آخرین روزها اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه زندان و اعدام با گستردگی جریان دارد. مطالبات اعلام شده پرستاران عبارتند از: لغو فوری اضافه کاری و شیفت های اجباری، پرداخت فوری تمام معوقات حقوقی و رفاهی، افزایش حقوقها متناسب با میزان واقعی نرخ تورم و رشد روز افزون آن با توجه به خط فقر و افزایش نرخ دلار، دریافتی هیچ پرستاری نباید از کمتر از ۶۰ میلیون تومان باشد، برگشت به

مشخصات فنی تلویزیون
کانال جدید

یوتیوب است
فرکانس ۱۱۳۸۷
اقتی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم
(جهت یادست)
فرکانس ۱۰۸۴۵
عمودی ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید

Request from 34 Organizations and Networks of Iranian Opposition Abroad for Global Action Against the State Terrorism of the Islamic Republic.
In response to the recent confessions of Mohsen Rafighdoust.



۵- تقویت مکانیسم‌های حفاظتی برای فعالان سیاسی و مخالفان ایرانی در تبعید، که همواره در معرض خطر ترور، آدم‌ربایی و آزار و اذیت قرار دارند.

جامعه جهانی نباید در برابر این اعترافات هولناک بی‌تفاوت بماند. رژیم جمهوری اسلامی باید به دلیل کارنامه سیاه خود در ترورهای هدفمند، پاسخگو شود.

محکومیت‌های پیشین جمهوری اسلامی از سوی جامعه جهانی، متأسفانه نتوانسته‌اند به اندازه‌ای مؤثر باشند که به طور جدی جلوی خشونت و تروریسم دولتی این رژیم را بگیرند. اکنون زمان آن رسیده است که با رویکردی تازه و قاطع، مبتنی بر دفاع از حقوق اساسی مردم ایران در برخورداری از آزادی و دموکراسی، فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی را برای توقف این جنایات دولتی به شکل چشمگیری افزایش داد.

امضاکنندگان:

نیکا، شبکه ایرانیان خواهان آزادی و دموکراسی

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

کارزار جهانی نه به اعدام در ایران

انجمن زن زندگی آزادی گراتز

شبکه ایرانیان نروژ

شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

همه برای ایران، ژنو، ایران آزاد، زوریخ، بنیاد مهسا، دانمارک، سازمان سراسری حق زن، سوئد، ایران پروتست، (مالمو، لوند، هلسینگبوری)، گروه زن، زندگی، آزادی، گوتنبرگ سوئد، سازمان زن زندگی آزادی دوسلدورف، جنبش زنان ایران، امریکا، MCSDI، امریکا، آزادانه، پاریس، اوته ایران، آلمان، فری هیومن، کلن، انجمن زن زندگی آزادی، آلمان، انجمن مانا، میلان، ایتالیا، کانون سیمرغ کبک، کانادا، البرز، پاریس، نه به تابو نه به خشونت علیه زنان، زنان کردستان علیه تبعیض، ۲۵ شهریور، ونکوور، گروه اتحاد برای ایران - استرالیا، انجمن فنیکس، پاریس، زن زندگی آزادی، گوتینگن، سولیداریتی ایرانیان، ونکوور، حلقه اتحاد جوانان، مونتreal، ایرانیان جمهوری خواه استرالیا(یار) (برگرفته از مدیای اجتماعی)

درخواست ۳۴ نهاد و شبکه مخالفین جمهوری اسلامی در خارج کشور برای اقدام جهانی علیه تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در واکنش به اعترافات اخیر محسن رفیق دوست

اعترافات اخیر محسن رفیق دوست، نخستین وزیر سپاه پاسداران و رئیس سابق بنیاد مستضعفان، بار دیگر نقش مستقیم جمهوری اسلامی ایران را در ترورهای مرزی و حذف فیزیکی مخالفان خود آشکار کرد. وی در مصاحبه‌ای به صراحت اعلام کرد که فرمانده تیم‌هایی بوده که مسئول اجرای ترورهای هدفمند چهره‌های سرشناس مخالف جمهوری اسلامی، از جمله شاپور بختیار، غلامعلی اویسی، شهریار شفیق و فریدون فرخزاد بوده‌اند.

همچنین، رفیق دوست در این مصاحبه از نقش یکی دیگر از فرماندهان سابق سپاه پاسداران و عضو کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام یعنی محسن رضایی در این ترورها پرده برداشت. این در حالی است که لیست مخالفینی که به دست جمهوری اسلامی در خارج از کشور ترور شده‌اند، طولانی است و نام‌هایی همچون صادق شرفکندی، کاظم رجوی، عبدالرحمان قاسملو، صدیق کمانگر، عبدالرحمان برومند، غلام کشاورز و همایون اردلان را در بر می‌گیرد. بسیاری از این پرونده‌ها در دادگاه‌های اروپایی مطرح شده و برخی از آنها به محکومیت عاملان این ترورها منجر شده است.

اعتراف به قتل مخالفین جمهوری اسلامی که از زبان یکی از آمران و عاملان این جنایات بیان می‌شود مصداق مسلم سرکوب فرا ملی است که با هدف سرکوب و ساکت کردن مخالفان و ایجاد ترس صورت گرفته است. این قتل‌ها با اجیر کردن گروه‌های مزدور خارجی - چه اسلامی و چه غیراسلامی - و همچنین استفاده از تبهکاران حرفه‌ای عملی شده است.

بیش از چهل و پنج سال است که جمهوری اسلامی به طور سازمان‌یافته اقدام به ترور، ناپدیدسازی اجباری و سرکوب مخالفان خود در خارج از کشور می‌کند. این اقدامات نه تنها نقض آشکار قوانین بین‌المللی است، بلکه تهدیدی جدی علیه امنیت جهانی محسوب می‌شود.

ما، امضاکنندگان این بیانیه، از جامعه جهانی می‌خواهیم که اقدامات قاطعانه و فوری را برای پاسخگویی به این جنایات انجام دهند، از جمله:

۱- آغاز تحقیقات مستقل و بین‌المللی درباره ترورهای دولتی جمهوری اسلامی و محاکمه عاملان آن در مراجع حقوقی بین‌المللی، از جمله تشکیل پرونده قضایی در دادگاه لاهه و اعلام جرم علیه تمامی افراد دخیل در این جنایات.

۲- تجدیدنظر اساسی در روابط دیپلماتیک و سیاسی دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی، به گونه‌ای که این مناسبات، به عنوان نشانه‌ای از اعتراض به اقدامات ضدبشری این رژیم، به شدت کاهش یابد.

۳- قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان تروریستی باید عملاً متحقق شود

۴- اخراج دیپلمات‌های مرتبط با شبکه‌های اطلاعاتی و عملیاتی جمهوری اسلامی، که برای اجرای ترورهای برون مرزی استفاده می‌شوند.

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



سیاست و رویکرد اصلی: فشار حداکثری به معیشت مردم برای برون رفت حکومت از تنگنایهای اقتصادی، خفه کردن معترضان با اتهامات واهی و تکراری و حبس های

سنگین غیر حقوقی و تشدید اعدام ها، جلوگیری از ارتباط با رسانه ها و انعکاس خبری، و ممانعت از گسترش تجمعات اعتراضی.

این سیاست در مقابل واقعیات تلخ زندگی مردم که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند، تاب مقاومت و قدرت بازدارندگی درازمدت را ندارد.

سیاست گرسنگی و شلاق در مقابل مردمی آگاه و معترض در دنیای بهم پیوسته امروز، علیرغم هر شرایط محدود کننده ای که بر زندگی ها تحمیل شده، برای حکومت ها تسکین های کوتاه مدتی ست که قابل دوام نیست.

شورای بازنشستگان ایران (برگرفته از مدیای اجتماعی)

تداوم اعتراضات معیشتی و سیاست شلاق و گرسنگی تصویب مزدی حقیرانه و ادامه سرکوب معیشتی!

اعتراض های اقشار مختلف جامعه اعم از کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و سایر اقشار اجتماعی جان به لب رسیده بی توجه به توجیحات حکومت ادامه داشته و خواهد داشت.

شرایط بیسابقه ای از فقر و فلاکت عمومی با دورنمای نومیدکننده و عمیق تر شدن فاصله فقر حداکثری با قدرت و ثروت حداقلی، وضعیت غیرقابل دوام و شکننده ای بوجود آورده است.

مقامات حکومتی زیر فشار این اعتراضات، از یک طرف وعده های پوچ می دهند، از طرف دیگر به بگیر و ببند و تهدید فعالان کارگری و جنبش های مطالباتی و فشار بیشتر به زندانیان و پرونده سازیهای پس از دوران حبس مشغول اند.



عیسی ابراهیم زاده محروم از درمان در زندان بسر میرود

اشنویه از بابت اتهاماتی از جمله "عضویت در گروه های مخالف نظام و تبلیغ علیه نظام" مجموعاً به پنج سال حبس محکوم شده بود که مجازات اشد، یعنی چهار سال حبس در خصوص وی قابل اجرا بوده است. جلسه دادگاه

رسیدگی به اتهامات او در اسفندماه ۱۴۰۱ برگزار شده بود. عیسی ابراهیم زاده، شهروند اهل روستای "ده شمس" از توابع اشنویه است. عیسی ابراهیم زاده و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

۱ فروردین ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

عیسی ابراهیم زاده، زندانی سیاسی که در پی مرگ فرزند خردسال خود به مرخصی اعزام شده بود، در پی مخالفت مقامات جنایتکار قضایی با تمدید مرخصی اش روز پنجشنبه ۹ اسفندماه، علیرغم نیاز به رسیدگی پزشکی به زندان نرده بازگشت.

او مورخ ۲ اسفندماه در پی مرگ فرزند خردسال خود بر اثر بیماری، از زندان نرده به مرخصی اعزام شده بود. عیسی ابراهیم زاده خود از بیماری های قلب و روده رنج میرود و نیاز به رسیدگی پزشکی دارد. طبق گزارشات منتشر شده اعضای خانواده از جمله پدر و نیز دختر نوجوان او، از سوی نهادهای امنیتی تحت فشار قرار دارند و بارها به این نهادها احضار شده اند.

عیسی ابراهیم زاده پیشتر در تیرماه سال جاری، در پی مخالفت مسئولان با تمدید مرخصی برای اینکه کنار فرزند بیمارش باشد، دست به خودکشی زد و در بیمارستان بستری شد. او علیرغم نیاز به درمان، مجدداً به زندان نرده بازگردانده شد.

عیسی ابراهیم زاده مورخ ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۲، توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود واقع در شهرستان اشنویه بازداشت و جهت تحمل محکومیت چهار سال حبس خود به زندان نرده انتقال یافت. او در فروردین ماه ۱۴۰۲، توسط دادگاه انقلاب

پیام نروزی عیسی ابراهیم زاده، زندانی سیاسی از زندان نرده

نمی توانم این خواسته های برحق را از ما بگیرد.

سال نور را به شما خانواده های دادخواه و زندانیان سیاسی، کارگران تبریک می گویم و از شما می خواهم که در این سال، به مبارزه ادامه دهید، برای آزادی، برای برابری و برای ایران بهتری که شایسته آن هستیم. دشمنان آزادی بدانند هر چه فشار بیشتر باشد، اراده ما هم آهنین تر می شود. همچنان با هم، در برابر ظلم و فساد ایستاده ایم و تا پیروزی در این راه، هیچ گاه تسلیم نخواهیم شد.

به امید آزادی، و برابری، عیسی ابراهیم زاده زندانی سیاسی

زندان نرده، اول فروردین ۱۴۰۴

مردم به ستوه آمده هم میهنان مبارز،

در آستانه سال نو، در حالی که مردم ایران به استقبال بهار و امید می روند، من در زندان نرده، به دور از خانواده و عزیزانم، این پیام را به شما می رسانم. سالی که به آن وارد می شویم، سالی است که باید در آن نه فقط به اندیشه های فردی، بلکه به تغییرات اجتماعی و سیاسی و مبارزات جمعی فکر کنیم.

من و امثال من، که در این راه دشوار و پر از ظلم و سرکوب ایستاده ایم، تنها نیستیم. مبارزه ما برای آزادی، برابری، رفاه و عدالت، یک مبارزه فراگیر است. برای من، سال نو تنها نماد گذشت زمان نیست؛ بلکه نماد ادامه مبارزه برای رسیدن به یک ایران آزاد و بدون فقر و فلاکت و استثمار و تبعیض است. مرگ برادر زاده ام نیما و فرزندم، اریز تهدید و فشار و ارباب مداوم از سوی حکومت و مشکلات بی شماری که در این مسیر کشیدیم، هرگز نتوانستند اراده ام را بشکنند. همچنان امیدوارم که فرادهای بهتری در انتظار ما باشد.

ایران ما نیاز به تغییرات ریشه ای دارد. نظام سرمایه داری و استبداد حاکم، تنها منافع اقلیتی مفت خور را تأمین کرده و اکثر مردم را در فقر و سرکوب و نابرابری نگه داشته است. مبارزه ما برای عدالت و آزادی و برابری و رفاه و دستاورد های انسانی است، و هیچ قدرتی

**Islamic Regime of
Iran out of ILO**



پیام نوروزی جمعی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به حزب کمونیست کارگری

ضمن تبریک و شادباش سال جدید به تک تک شما همراهان عزیز، خانواده، دوستان و عزیزانتان؛ امید داریم در سال جدید بتوانیم تغییرهای شگرف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را رقم بزنیم و سال آینده را با طعم این پیروزی‌ها شیرین کنیم.

سال آینده برای ما کارگران، درکنار شما به دنیای بهتر خواهیم رسید
جمعی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه؛ نوروز

شادباش نوروزی کانون نویسندگان ایران

(نوروز ۱۴۰۴)

از این روست که در آستانه‌ی نوروز نگاهی به روزهای رفته داریم و چشم امید به روزهای نیامده بسته‌ایم. همچون هر بهار، میان بیم‌های بیشمار و امیدهای اندک، امید و همبستگی را چراغ راه می‌کنیم که نیروی ادامه دادن راه از همین امید و همبستگی بر می‌آید.

کانون نویسندگان ایران سال نو را به نویسندگان و هنرمندان مستقل و همه‌ی آزادی‌خواهان و ستم‌ستیزان شادباش می‌گوید. باشد که ایستادگی‌های فردی جای خود را به ایستادگی‌های جمعی دهد و سال تازه، سال به بارنشستن امیدها و تحقق آرمان‌ها باشد.

کانون نویسندگان ایران

۲۹ اسفند ۱۴۰۳

شادباش نوروزی کانون نویسندگان ایران

رنج‌های مشترک بسیار و رویای زیبای آزادی و فرهنگی مشترک ما را به هم نزدیک کرده است؛ در سالی که همچون پار و پیرار، چیزی برای شادی جمعی نداشتیم. گرانی‌های کمرشکن، دوام آوردن با دستمزدی ناچیز، اخراج سهل و بی‌عقوبت نیروی کار زیر چتر قراردادهای چند ماهه، تنگ‌تر شدن عرصه بر زنان زیر بار کمرشکن قوانین نوشته و نانوشته‌ی ضدانسانی، ادامه‌ی سانسور و سرکوب آزادی بیان با پرونده‌سازی برای نویسندگان و هنرمندان و فعالان سیاسی و اجتماعی و تهدید و در بسیاری موارد بازداشت آنها، و سرانجام صدور احکام اعدام برای معترضان و مخالفان سیاسی... این همه تنها سیاهه‌ای مختصر از رنج‌های مشترکی است که حاکمیت به مردم تحمیل کرده است.

با این همه، در دل این سرکوب‌فزاینده و این بن‌بست اقتصادی که بقای بسیاری را تهدید می‌کند، در روزهایی که بسیاری سال را پشت میله‌های زندان نو می‌کنند و بسیاری دیگر به قید وثیقه آزادند، مقاومت هر روزی زنان، ایستادگی ادیبان و هنر مستقل در برابر سانسور و بردگی فکری، و به هم پیوستن صداهای پراکنده برای لغو احکام اعدام چون بارقه‌هایی از آینده‌ای روشن است، آینده‌ای که با رویای آزادی و برابری در آمیخته است.

نوروزمان هسراو با
شکفتن بجزآرزوآتمان
مبارک باد

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران

"شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران" فرارسیدن سال نو را به همه همکاران و همه بخشهای مردمی که از مبارزات برحق مان حمایت کردند، شادباش می‌گوید و از همه پرستاران و کادر درمان و پرسنل و دیگر بخشهای عرصه بهداشت و درمان می‌خواهیم در سال پیش رو با گسترش هر چه بیشتر مبارزاتمان به صورت همزمان و سراسری به بردگی حاکم بر شغل و زندگی مان پایان دهیم.

FREE THEM NOW
ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

SHARIFEH BOMBARDEH, PEZZA GOCHADI, MARIYAM JALALI, HEMAYEH ANJANI NEZAMI, RAHELEH RAHESHFOR, NASRIN BAKHAI, SEPIDEH GHOLIZADEH

ISA ESHVARIZADEH, ESKANEM BAKALI, MORTAZA BEYDI, ESMAL GERANI, DAVIDOU RAZAVI, MEHRAN RAOUF, ABBAS DERIS

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

AMAZAD DEBORDSHEN, AMAN JALALI MEHDI, MOHAMMAD HASANI, SOHEIB KALIBATE, JAVAD LAL MOHAMMADI, MOHAMMAD H. BEHREH, NAJIB SHIRINSHEN

ALIREZA MARDANI, A. SOOLALI, A. GOLAH, MOHAMMAD H. POREH, HOJATA. RAJAEI, REZASAR ROUSHANI, MOSTAFAP H. HOSSEIN, MASOOMEH JAFARI

AZAD KHANDEH, BOLFAZLKHORAN, MARIYAM JALALI, FATEMEH TACHISI, HAMID SALIKI, JACQUES PARI, CECILE KOHLER

FREE JAILED TEACHERS IN IRAN

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی



بیانیه شورای بازنشستگان ایران بمناسبت عید نوروز و آغاز سال نو

روزهای واپسین سال ۱۴۰۳ را در بدترین شرایط معیشتی، فشارهای اجتماعی و سیاسی و بحران سلامتی پشت سر میگذاریم.

در مقابل، مقاومت و مبارزه پرفراز و نشیب مردم در زندگی، عمل و گفتگوهای روزمره توده های وسیع مردم در جامعه حاکی از یک میل و اشتیاق و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک تغییر بنیادی فوری است.

در سالهای اخیر، زندگی مردم در میان درد و رنج تلاش معاش در همه عرصه های کسب معیشت برای بقاء، در کارگاه ها و کارخانه ها و مراکز کار و زحمت با بیحقوقی و بی ثباتی نیروی کار و لشکر بیکاران، زنانه شدن فقر و افزایش کودکان کار، سخت کوشی کم حاصل کشاورزان در مزارع تحت سلطه مافیای واسطه ها و زیر شعله های زرد و بی رمق دست فروشی افراد بی ثبات کار، زباله گرد، کارتن خواب، تن فروش، آوارگی و بی مسکنی، با چشم انداز سلب شدن بدیهی ترین امکانات ضروری از زندگی مردم، بر متن مناسباتی سراسر تبعیض آمیز، در مقابل بیسابقه ترین اعتراضات اجتماعی، چهره و سیمای آشکار جامعه بوده است.

در چنین فضائی، دستگیری و زندانی کردن مردم معترض و عصیان زده و عزادار شدن بسیاری از خانواده ها، فشارهای کمر شکن معیشتی و بحران بیکاری، زیر سایه احتمال جنگ و ویرانی که با پاسخ "نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار" مردم روبرو شده، راههای منتهی به برگزاری جشنها و پایکوبی و شادی کارگران و مزدبگیران، بر مبنای شغف و نشاط عمومی مسدود شده است.

در روزهای انتهای سال، کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر مزدبگیران، بدون اعمال اراده و حضور مستقیم شان در مذاکرات مزدی، نومید از این نمایش تکراری، بی توجه به افزایش مزد دستوری و خشمگین از اینهمه سختی های تحمیل شده با اعتراضات و تلاشهای میدانی تاکید میکنند "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم".

چنانچه دولت به خواسته مزدبگیران که تعیین مزد مطابق با هزینه های واقعی زندگی ست، تن ندهد، اعتراضات و کشمکشهای گسترده تری را در خیابانها شاهد خواهد بود.

بی تردید مبارزه کنونی برای #رفاه_برابری_آزادی در دل شرایطی است که پس از شروع انقلاب #زن_زندگی_آزادی و استمرار جنبش پر فروغ زنان برای تغییرات بنیادین اجتماعی_اقتصادی ادامه یافته و تاریخ این جامعه را دگرگون خواهد کرد.

با عزم گذر از چنین اوضاع اسفناک و غیرقابل تحمل و با اعلام حمایت و همدردی با خانواده های سوگوار و دادخواه، زندانیان معیشتی، سیاسی و اجتماعی، عید امسال را بر شانه های زخمی و سفره خالی خود برگزار کرده که چراغ امید و رهائی را بر ورودیهای فردایی بهتر آویخته ایم.

پیشاپیش فرارسیدن عید نوروز و آغاز فصل بهار را که نویدبخش زندگی و تحول و نوشدگی ست، علیرغم تلخکامی های فراوان، شادباش میگوییم، باشد که مطالبه گری و دادخواهی ما تا دستیابی به رفاه و شادی عمومی در سال آتی پرشورتر از قبل تداوم یابد. -اسفند ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

بیانیه اتحاد بازنشستگان به مناسبت سال نو

اتوبوس خوابی، کارتن خوابی، پشت بام خوابی و در شرایط بهتر به اجاره ی آپارتمان مشترک کشانده است. این فجایع، زاده ی ساختار فاسدی است که بر مبنای رانت و سرکوب بنا شده است.

این حکومت، با سرکوب جنبش های کارگران، زنان، دانشجویان، پرستاران و بازنشستگان، با اخراج و انفصال معلمان، و از همه فجیع تر، با کشتار معترضان، چهره ی واقعی خود را نمایان ساخته است. اما مردمی که بیدار شده اند، دیگر به بند کشیده نخواهند شد. «اتحاد بازنشستگان»، متشکل از بازنشستگان تأمین اجتماعی و فرهنگیان، نوروز را به مردم آزاده و سربلند ایران تبریک می گوید. ما سال هاست، معترض به شرایط اسفبار حاکم بر کشوریم و خواهان آزادی زندانیان سیاسی، دادخواه جان باختگان راه آزادی، و تحقق عدالت اجتماعی هستیم.

نوروز، جشن شکفتن و نو شدن است. باشد که در بهاری نزدیک، بنیان ستم فروریزد و آزادی، زندگی انسانی، و شادی، که حق همه ی مردم است، نه در انحصار اقلیتی خاص، بلکه از آن همگان باشد. تنها با همبستگی و با هم، روز و روزگار نو خواهد شد. -۲۸ اسفند ۱۴۰۳-اتحاد بازنشستگان (برگرفته از مدیای اجتماعی)

نوروز می آید، اما بوی بهار ندارد. شادی از نگاهها گریخته، سفره ها تهی شده اند، زندگی به میدان و آوردگاهی صعب و خشن بدل شده، جایی که تقلا ی جان فرسا برای یک لقمه نان، شرافت و انسانیت را زیر پا له می کند.

در این هیاهوی بی رحم، صدای انسان، خاموش و حرمتش لگدکوب شده اما در پس این سکوت، بغضی سنگین در گلوست که به فریادی رسا مبدل خواهد شد؛ فریادی علیه ستمی که بر مردم روا داشته اند، علیه سیستمی که دارو و درمان را به کالایی تجملی بدل کرده و جان های بی شماری را به کام مرگ فرستاده است.

اندوه زندانیان، شادی را از جامعه ربوده است؛ اما ما زنده ایم، و زندگی را طلب می کنیم. ما سکوت را بر نمی تابیم و در برابر این بی عدالتی ها تسلیم نخواهیم شد. هر روز، خیابانها شاهد تجمعاتی است که نشان از بیداری مردم دارند، دیگر کسی نمی خواهد در انجماد بی تفاوتی فرو رود.

زندگی، ارجمندی، عدالت!

بی ثباتی شغلی، بیکاری، و گسترش مشاغل کاذب، گریبانگیر بسیاری از مردم شده است. مسکن، که باید سرپناهی برای آرامش باشد، به معضلی هولناک بدل گشته است. قیمت سرسام آور خرید و اجاره ی خانه، بسیاری را به حاشیه نشینی،